■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
با بی وفایی و پیمان شکنی، مصاحبت با هیچ رفیقی پایدار نمی ماند.

■اذان ظهر: ۱۲:۱۳ ■غروب آفتاب: ۱۷:۱۱
■اذان مغرب: ۱۷:۳۱ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۸
■اذان صبح فردا: ۵:۴۵ ■طلوع آفتاب فردا: ۷:۱۴

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

■یکشنبه ۲۳ دی ۱۴۰۳ ■سال سی‌وسوم ■شماره ۹۳۰۴ ■جهش تولید با مشارکت مردم

همشهری

حافظ
صبر است مرا چاره هجران تو لیکن
چون صبر توان کرد که مقدور نماندست؟

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار

■معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■مدیر: حسین لطفی
■دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■مدیر: عیسی محمدی
■دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

بارگاه شاهزاده خوشنام

درباره امامزاده زید(ع) در قلب بازار تهران که میزبان پیکر لطفعلی خان زند و دل‌های خسته مردم شهر است

سیدسروش طباطبایی‌پور

به‌روایتی امروز، روز کشته‌شدن لطفعلی خان زند، آخرین پادشاه زندیه و پایان دوره ۴۵ساله آنهاست؛ سلسله‌ای که‌به‌دلیل انجام کارهای زیربنایی بیشتر در ایران، نسبت به دوره قبل خود، خوش‌نام‌تر بود و برای مردم، برکت بیشتری داشت. اما حکومت زندیه و شیراز کجا و تهران کجا؟ دلیل گره خوردن قصه لطفعلی خان زند به تهران، مقبره او در امامزاده زید(ع) است؛ جایی در قلب بازار تهران و مورد احترام تهرانی‌های قدیم! امروز و به این بهانه، کمی به دودمان زندیه می‌پردازیم و بنای باشکوه امامزاده زید(ع) را از نظر می‌گذرانیم.

تهران و سلسله زندیه

پایتخت سلسله زندیه، ابتدا در شیراز بود و به همین دلیل، این دودمان، نقشی در آبادانی تهران که در آن روزگار، هنوز به شهر تبدیل نشده بود، نداشتند، اما نخستین پادشاهی که خود را وکیل مردم ایران می‌دانست و به‌جای کلمه پادشاه، عنوان وکیل‌الرعایا را برای خود برگزید، کریم‌خان زند، سر سلسله پادشاهی زند بود؛ دوره‌ای که البته کوتاه بود اما ایرانیان در ۴۵سال حکومت زندیان، به‌خصوص در دوره حکومت کریم‌خان زند، بیشتر روی آرامش را دیدند و کریم‌خان توانست به کارهای زیربنایی بیشتری بپردازد. حمام، بازار، ارگ کریمخانی و... نمونه‌هایی از این دست‌اند.

چرا تهران؟

لطفعلی خان زند جوانی شجاع و دلاور بود و او را به خوش‌خلقی و دادگستری هم می‌شناختند، اما دوره حکومت او تنها ۶سال بود و در این دوره کوتاه، به‌دلیل کینه‌ای که دشمنانش، به‌خصوص ایل قاجار، نسبت به زندیه داشت، بیشتر زمان حکومتش به جنگ سپری شد. از جمله خدمات او می‌توان ساخت به ۳جاده شوسه از شیراز به شهرهای اطراف نام برد. او در سال ۱۱۷۳ شمسی و در اواسط دهه سوم زندگی‌اش، به‌دلیل غرور، اشتباهات نظامی و البته خیانت نزدیکانش، از آقامحمدخان قاجار شکست خورد و پس از دستگیری به تهران فرستاده شد. شاه قاجار به‌شکلی فجیع او را کشت و دودمان زندیه منقرض شد. جسد او، دور از زادگاهش شیراز در تهران در جوار امامزاده زید(ع) به خاک سپرده شد. مقبره لطفعلی خان در ایوان کناری بقعه امامزاده قرار دارد و در حجره‌ای محصور است.

بقعه متبرک

می‌گویند امامزاده زید از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) است، اما برخی هم نسب او را امام سجاد(ع) می‌دانند. علاوه بر اهمیتی که امامزاده زید(ع) دارد، بقعه او هم در تاریخ تهران، قصه‌هایی دور و دراز داشته است. برخی کارشناسان معتقدند مزار امامزاده زید، سومین بقعه متبرک تاریخی تهران است و چون نزدیک به بازار و دارالخلافه پادشاهان قاجار بود، اهمیتی ویژه داشت. بقعه اصلی امامزاده، البته به دوران صفوی بازمی‌گردد اما در عهد ناصری، بنای قدیمی بقعه مثل بنای امامزاده یحیی و سیداسماعیل در تهران برداشته و بنای کنونی به‌جای آن ساخته شده است. گنبد این بنای متبرک در زمان فتحعلی‌شاه قاجار و صحن و ایوان‌ها در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار ساخته شد. آثاری مثل کاشی‌کاری‌ها، آینه‌کاری‌ها و نقاشی‌ها، از نگاه معماری، بخش‌های ارزشمند این بنا به‌حساب می‌آیند. این بنا در سال ۱۳۱۵ شمسی و در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفت. فضای مزار این امامزاده متبرک، تهرانی‌های آن روزگار را برای لحظاتی از هیاهوی روزانه دور می‌کرده و البته امروز هم به ما آرامش هدیه می‌دهد. برای رسیدن به امامزاده، باید از دل بازار تهران عبور کنید و بعد از گذر از بازار کفاش‌ها، روی ماه این بقعه متبرک را ببینید.

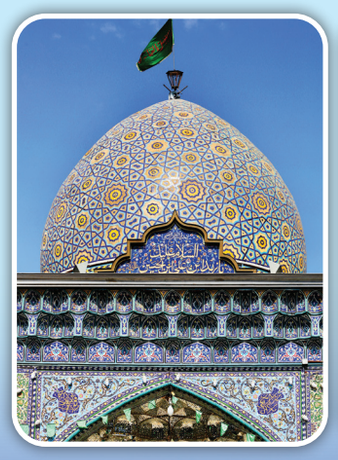

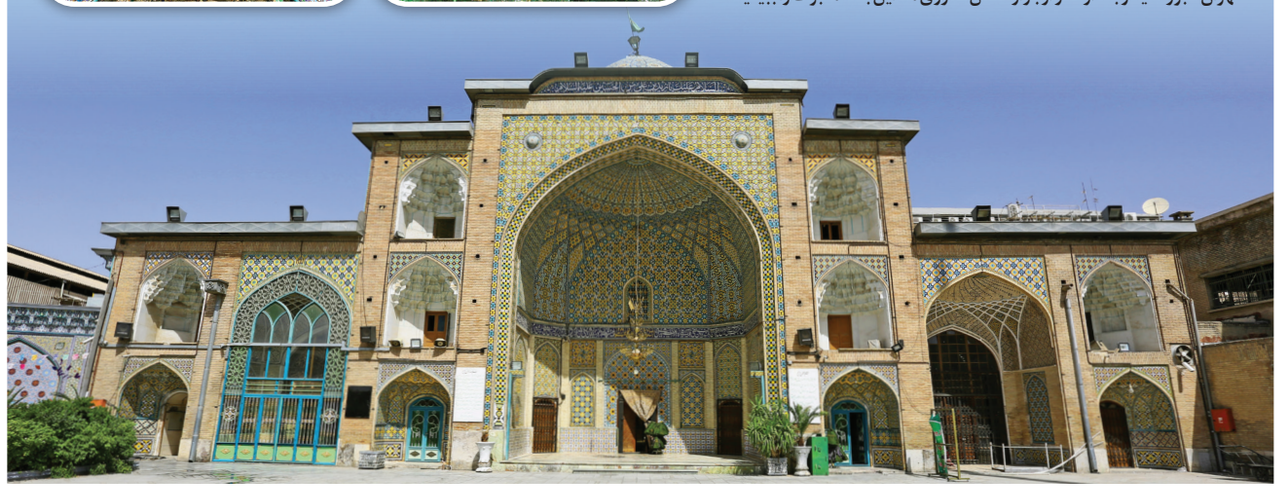

کوچه‌گرد

قصه‌هایی که لباس‌ها را زنده می‌کنند

لیلا باقری

چطور یک لباس ساده می‌تواند فراتر از زمان خود برود و ماندگار شود؟ شاید پاسخ در قصه‌ها پنهان باشد؛ قصه‌هایی که نه‌تنها تاریخ، بلکه هویت ما را زنده نگه می‌دارند. در دنیای پرشتاب امروز، تنها مفاهیمی می‌توانند زنده بمانند که داستانی خوب داشته باشند، و این نکته را مدیران «موزه عروسک و فرهنگ ایران» در خیابان سعدی به‌خوبی درک کرده‌اند. مسعود ناصری‌دریایی، یکی از مدیران موزه، دراین‌باره می‌گوید: «در این موزه لباس‌های دوران قاجار و پهلوی اول و دوم به نمایش گذاشته شده‌اند. برای اینکه مخاطب ارتباط بهتری برقرار کند، تصمیم گرفتیم برای هر لباس یک روایت بسازیم و شرایط زمانی‌ای را که در آنها این لباس‌ها پوشیده شده‌اند، ترسیم کنیم.»

یکی از این داستان‌ها قصه یک جلیقه کودکانه است:

خورشیدکلاه گفت: قربان قدت بروم؛ یک لحظه بایست تا اندازه‌ات را بگیرم. رشیدالدوله درحالی که چشمانش با انگشتان مادربزرگ این‌طرف و آن‌طرف می‌دوید، با صدای بلند و کودکانه گفت: کت می‌دوزی برایم؟ یک کت، یک کت مثل کت آقام؟

خورشیدکلاه که لبانش می‌خندید، گفت: قربان قدت بروم، جلیقه می‌دوزم برایت... و زیر لب ادامه داد پارچه کم است، جلیقه می‌دوزم برایت. از شانه تا ران را وجب زد، یک وجب و چهار انگشت.

چراغ که روشن شد خواب از چشمان رشید پرید. رشید تا چشمش به جلیقه افتاد گفت: پس جیب‌هایش کو؟ جلیقه که بدون جیب نمی‌شود.

مدیر موزه می‌گوید: «افراد این داستان را که می‌خوانند، جلیقه‌ای می‌بینند که یک وجب و چهار انگشت است و پارچه‌ای که کم آمده و جیب‌هایی که تابه‌تا زده شده و از آستری لباس است. بنابراین قصه باعث می‌شود تجربه متفاوتی از دیدن این لباس و درک بهتری از شرایط زمانه و کودکی که این را به تن کرده است، داشته باشند.»

اگر می‌خواهیم فرزندان‌مان ریشه‌های خود را بشناسند و بدانند چه قصه‌ها و غصه‌هایی پشت سر گذاشته‌اند تا به امروز برسند، می‌توانیم آنها را به موزه «عروسک و فرهنگ ایران» ببریم تا با تماشای عروسک‌ها و لباس‌ها و شنیدن قصه‌های آنها، وطن را با ابعاد مختلف آن درک کنند و قصه‌ها مهری به دل‌شان بیندازد که به این راحتی‌ها از بین نمی‌رود.

با اسکن این کیوآرکد پادکست مربوط به یادداشت را بشنوید.

سوژه روز

آداب مواجهه با شن و نمک

اینجا انتهای خیابان ولنجک است؛ بام تهران! جایی که اگر زمستان‌ها در سطح شهر، کمی باران ببارد، این کوهپایه تهران، حتما سپیدپوش خواهد شد و تا مأموران شهرداری سر برسند، احتمالا کار از کار گذشته و خودروها، لیزخوران، کنترل‌شان را از دست می‌دهند و در چشم‌برهم‌زدنی از کوچه ۲۲ به کوچه ۱۱ می‌رسند! مدیریت شهرداری تهران، برای پیشگیری از بروز چنین حوادثی، کیسه‌های شن و نمک را در نقاط حادثه‌خیز تهران قرار داده تا شهروندان در شرایط بحرانی، خودشان دست‌به‌کار شوند و کارهای اولیه را انجام دهند؛ اما این کار هم آداب خودش را دارد. کیسه‌های خالی شن و نمک، خودشان لیزند و اگر بعد از خالی‌شدن محتوای داخلی، خودشان هم در معابر برفی، رها شوند، احتمال بروز حوادث را برای خودروها و حتی برای عابران، چند برابر خواهند کرد. حتی اگر این حوادث هم رخ ندهد، رهاشدن آنها در سطح شهر، زیبایی و نظافت شهری را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

تهران مصور

اولین ورزشگاه تهران

ورزشگاه امجدیه، نخستین مجموعه ورزشی پایتخت در زمین‌های خاکی حوالی دروازه دولت ساخته شد. بیرون از دروازه دولت، باغ امجدیه به مساحت ۲۱ ذرع‌مربع بود که از مرحوم مخبرالسلطنه هدایت زرعی ۳قران خریداری شد. در اوایل تیرماه ۱۳۱۳ شمسی در میدان ورزش امجدیه طرح بنای یک ورزشگاه عمومی ریخته شد و طبق نظر موسیو سیرو، مهندس فرانسوی کار ساخت آن آغاز شد. مجموعه ورزشی امجدیه سال ۱۳۱۸ افتتاح رسمی شد. ورزشگاه امجدیه نخستین ورزشگاه و زمین فوتبال استاندارد کشور در تهران بود و بسیاری از اتفاقات مهم تاریخ فوتبال در این میدان ورزشی رقم خورد. امجدیه از ۱۳۲۱ تا ۱۳۵۳ خانه تیم ملی فوتبال به حساب می‌آمد و بازی‌های خاطره‌انگیز تیم ملی طی این سال‌ها در این ورزشگاه برگزار می‌شد؛ از نخستین راهیابی تیم ملی فوتبال ایران به بازی‌های المپیک توکیو در ۱۹۶۴ که بر تیم هندوستان پیروز شد تا نخستین قهرمانی فوتبال ایران در جام باشگاه‌های آسیا توسط استقلال در ۱۹۷۰. بعدها یعنی در سال ۱۳۶۰ نام این ورزشگاه برای زنده نگه داشتن خاطره شهید علی‌اکبر شیرودی، خلبان نیروی هوایی ارتش در جنگ ایران و عراق به نام او تغییر کرد و سالن کشتی ورزشگاه شیرودی پاتوق تیم ملی کشتی ایران شد.

> مجموعه ورزشی امجدیه سال ۱۳۱۸ افتتاح شد. ورزشگاه امجدیه نخستین ورزشگاه و زمین فوتبال استاندارد کشور در تهران بود و بسیاری از اتفاقات مهم تاریخ فوتبال در این میدان ورزشی رقم خورد

تهرانگرام

نشان امامزاده

در میان درختان کهنسال محله کن، درختی که در امامزاده شعیب(ع) این محله هست بسیار دیدنی و رشک‌برانگیز است؛ درختی کهن که طبق تاریخ شفاهی نقل‌شده از اهالی، چندصد سال قدمت دارد. این درخت یکی از جاذبه‌های گردشگری این محله تاریخی است. سال ۱۳۹۹ همین درخت به‌عنوان درخت شاخص در هفته تهران شناخته شد و در بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به ثبت ملی رسید. مهم‌ترین نقل‌قول این است که وقتی امامزاده به شهادت رسید، درخت چناری را برای نشانه در کنار قبر ایشان کاشتند. این رسم در گذشته بسیار متداول بوده است. اگر دقت کرده باشید، در بسیاری از امامزاده‌های تهران درخت چنار کهنسال می‌بینید.

تهران‌نامه

محله سرخ رنگ پایتخت

یکی از محله‌های غرب تهران در منطقه ۵ «شهر زیبا» یا «زیباشهر» است که از گذشته به‌دلیل داشتن باغ‌های سرسبز و خیابان‌های باصفا و عریض شهرت داشت و به سبب قرار گرفتن در مسیر زائران مقبره امامزاده داود(ع) از قدیم برای تهرانی‌ها محله‌ای شناخته شده و محبوب بوده است. محله شهر زیبا، از حدود ۵۰ سال پیش در منتهی‌الیه غرب تهران قرار دارد و در قدیم به‌صورت زمینی بایر و غیرقابل کشت بوده است؛ از سویی به‌دلیل داشتن زمین‌های سنگلاخی، گذشتگان این محدوده را «چاله سنگی» می‌نامیدند. این محله با ساخته شدن خانه‌های آجری قرمزرنگ معروف، کم‌کم هویت گرفت. آپارتمان‌های آجری سرخ‌رنگ شهر زیبا در غرب تهران قرار بود محل استراحت مهمانان خارجی مسابقات ورزشی آسیایی ۱۹۷۴ تهران باشد. این آپارتمان‌ها با همکاری یک شرکت ایتالیایی به سبک معماری ایتالیایی و با آجرهای سرخ‌رنگ ساخته شده بود. با همه هزینه‌ای که برای ساخت این آپارتمان‌ها شد، اما درباریان از واحدهای ۷۸متری خوششان نیامد و برای میزبانی مهمانان خارجی جای دیگری را درنظر گرفتند. در نتیجه برای جبران خسارت‌های ناشی از این مسئله، به کارمندان دولتی پیشنهاد داده شد تا این آپارتمان‌ها را با قیمتی نازل و به‌صورت اقساطی خریداری کنند. بنابراین رفته رفته، نه‌تنها خانه‌های شهرک شهر زیبا یکی پس از دیگری به فروش رسید، بلکه مردم شروع به ساخت‌وساز در خیابان‌های اطراف این شهرک و تعاونی‌های مسکن اداره‌ها، اقدام به خرید زمین‌های این منطقه کردند.